

کارت تبریک سال نو

۲۰۰۹ سالی ممتاز بود

– سال مارکس.

صبح دیروز، نخستین روز سال جدید، گزارش مطبوعاتی تلویزیون از سال ۲۰۰۹ (همراه با تصویر مجلات و روزنامه های معروف جهان که در روزهای بحران مالی و اقتصادی عالمگیر، همه از مارکس نوشته بودند) خبر می داد که سال گذشته را سال مارکس لقب داده اند. نظام سرمایه داری که ویرانگر جامعه انسانی، آینده بشریت و محیط زیست است چشمه ای از بحران ذاتی و انفجار آتی خود را نشان داد و کارگزارانش را به حیرت و دستپاچی انداخت. خیلی ها به یاد مارکس افتادند و مهمترین آثارش، که خیلی ها چندین سال شادمانی کرده بودند که دیگر فراموش شده است، مجدداً انتشار یافت. بورس بازان و حکومتگران یکدیگر را به تقصیر متهم می کردند و سرکوزی، رئیس جمهور فرانسه، عبارت مضحکی مانند «بازسازی اخلاقی سرمایه داری» را تکرار می کرد. آیا به یاد «دیه گوری ورا» نقاش کمونیست مکزیک که در ۱۹۳۳ در اوج بحران دهه سی قرن پیش، تصویر مارکس، لنین و بزرگان کمونیسم آن روزها را بر آسمان خراش راکفلر (نیویورک) نقش زد نمی افتید؟ به یاد آرمان دیرپای بشریت یعنی آزادی - برابری که در اشکال مختلف به زبان مزدک، قرمطیان، کمون پاریس، جنبش جهانی کمونیستی و غیره و غیره بیان شده نمی افتید؟

– سال کپنهاگ و اعتراف جهانی به فاجعه ویرانی طبیعت که پیامد نظام تولید سرمایه داری ست و عجز کارگزارانش از مهار کردن آن.

– سال نفی حکومت دینی در ایران، سال بی آبرویی غیر قابل چشم پوشی ولایت فقیه و قانون اساسی اش که تئورسین آن (منتظری) هم حاضر نشد تبعات آن را بپذیرد، سال زلزله و ریزش باورهای گاه مقدس که زمانه شان سپری شده، سال شکاف التیام ناپذیر در طبقه جنایتکاری که سی سال است بر گرده مردم ایران شلاق می زند.

– سالی که جنبش مردمی به اندیشه های منجمد سیاسی و تشکیلاتی «نه» گفت و دست همه مدعیان رهبری، هم به اصطلاح انقلابی و چپ و هم اصلاح طلب در داخل و خارج را در پوست گردو گذاشت.

– سالی که اعتراض به تقلب انتخاباتی باند خامنه یی - احمدی نژاد به فاصله یکی دو روز از «رأی منو پس بگیر» به «رأی منو پس بده» ارتقاء یافت و شش ماه است هرچه پیگیرانه تر ادامه دارد و این قطعاً نتیجه رادیکالیسم، خردمندی و پختگی جنبش است.

– سالی که هرچند مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخلی و جهانی به یک گرایش معین درون حاکمیت امکان داد که خود را به نام «جنبش سبز» و به مثابه راه حل بحران رژیم معرفی کند و طیف های دیگری را هم که سمت قدرت و باد را می پایند با خود همراه کرد، اما بیش از پیش روشن

شده است ذهنیتی که خود را تنها گزینش سراسری بداند، ذهنیتی که تقلیدی از «حزب فقط حزب الله» باشد، در برابر خواسته‌های رادیکال و پلورالیستی جنبش رنگ می‌بازد و به وضوح باخته است.

– سالی که «نصایح پدر مآبانه» اصلاح طلبان مذهبی و غیر مذهبی روی زمین ماند و معلوم شد کسانی که بر حسب عادت فرمان صادر می‌کنند و مردم را دعوت به «عدم خشونت» می‌کنند، چقدر دعوتشان پوک و نابجا ست. عجیب است که خود به این صرافت نمی‌افتند که با همین «دعوتشان به عدم خشونت» چه خشونت‌ی و چه بی‌احترامی و تحقیری نسبت به جنبش توده‌ه‌ای که کارد به استخوانش رسیده روا می‌دارند. این جنبش مردمی آنقدر خردمندی دارد و از گذشته آموخته است که تا امروز با خشونت بی‌حد و حصر رژیم مقابله مسلحانه، نکرده ولی دفاع جانانه از حق خویش را نیز هرگز به شیوه‌هایی که تا کنون به کار برده محدود نکرده است. اصلاح طلبان از مردم می‌خواهند که در تظاهرات صلح طلبانه آنقدر سر خود را در مقابل باتوم خم و سینه را مقابل گلوله سپر کنند تا از فرط شمار کشتگان و زخمیان، رژیم را از رو ببرند و او را در «محظوریت اخلاقی» قرار بدهند تا اینان از موضع بهتری بتوانند با او چک و چانه بزنند و در قدرت سهیم شوند. چرا که در نظر آنان خشونت مبارزه انقلابی به معنای درگیری با قانون و پلیس و دولت و مناسبات حاکم و به معنای یک تابوشکنی نابخشودنی است.

– سالی که سانسور قدر قدرت و بی‌شرم رژیم با استفاده حیرت‌انگیز و ابتکاری از تکنولوژی ارتباطی مدرن به تمسخر گرفته شد و خنثی گردید.

– سالی که زنان ایران که قهرمان به زمین زدن جمهوری اسلامی هستند گل کاشتند، از جمله با سنگ به سرکوبگران حمله کردند و واژه «مردانه» را از اعتبار ارتجاعی اش انداختند.

– سالی که جنبش مردمی، احتمال می‌رود بتواند سیمای کلاسیک تحول اجتماعی و سیاسی و عوامل پدید آورنده آن و نیز سیمای آلترناتیو را دگرگون کند.

– سالی که اسرائیل یکی از جنایتکارانه‌ترین اقداماتش را علیه خلق فلسطین با بمباران و کشتار غزه مرتکب شد و چه بسیار که در برابر آن به بهانه‌های گوناگون لب فرو بستند! اما در آخرین روزهای سال به برکت مقاومت همه‌جانبه فلسطینی‌ها یک همبستگی عظیم جهانی با غزه سامان یافت و هم‌اکنون ۱۴۰۰ نفر از ۴۲ کشور کاروانی از کمک‌های غذائی و داروئی و حمایت سیاسی و معنوی به سوی غزه به راه انداخته‌اند و به رغم ممانعت‌های ارتجاع اردن و مصر این روزها به تحصن و اعتصاب غذا و اعتراض به این محاصره ستمکارانه و بر ضرورت شکستن بایکوت غزه ادامه می‌دهند. این کاروان انترناسیونالیستی دستاورد مقاومت فلسطین و نشانه‌ه‌ه‌شیرازی وجدان جهانی ست و آن را می‌توان با بریگاد انترناسیونال مقایسه کرد که در سالهای دهه‌ه‌سی قرن گذشته به حمایت از جمهوری اسپانیا برخاست.

– سالی که زاپاتیستها با برگزاری «فستیوال خشم سزاوار» در ژانویه، آن را آغاز کردند و در آمریکای لاتین که طی سال‌های اخیر به آزمایشگاه تجربه‌های رهایی از یوغ سرمایه‌داری بدل شده

است جنبش مردمی توانست گام های جدیدی در مناطق مختلف قاره بردارد و اشکال نوینی از قدرت از پایین را تجربه کند.

- سالی که بچه های ایران که خمینی می خواست خرافاتش را به آنها حقه کند، مقنعه بر سر دختر بچه ها کشیده و به خواندن «انجز انجز» واداشته بود، بچه هایی از دختر و پسر، که حالا دیگر جوانان برومندی شده اند، همه آموزش هایش را به روی رژیم تف کردند.

- ۲۰۰۹ سال انفجار ستم هایی بود که سی سال است ادامه دارد. مقاومت مستمر و روزمره مردم کارگر و زحمتکش در کارخانه و مدرسه و مزرعه و اداره و مقاومت بیکاران و خانه بدوشان در هرگوشه شهر و روستا، مقاومت در عرصه های دانش و هنر و مطبوعات، مقاومت در برابر دروغ و ریاکاری و نومیدی، آری مقاومت همه جانبه سالیان تاج افتخار را بر سر ندها و سهراب ها و میلیونها انسان و بر تارک تاریخ مبارزاتی این سرزمین نهاد. آنان که بنا به مصلحت های حقیر فردی یا طبقاتی شان این جنبش گسترده را جزئی، سطحی و محدود می خواهند و می بینند بعید است گوش های شنوایی بیابند حتی اگر امر رهایی هنوز به زمان و رنج و مبارزه خیلی بیشتر نیاز داشته باشد، که دارد.

ادامه و حفظ دستاوردهای سال ۲۰۰۹ در سال جدید و سالهای آینده و مبارزه هرچه هشیارانه و خردمندانه و پیگیرتر بر همه رادیکال ها یعنی به گفته مارکس «کسانی که به ریشه ها دست می برند»، بر همه به جان آمده ها، بر همه له و لورده ها، بر همه کسانی که مغزشان از انجماد دینی و غیر دینی رها شده است مبارک باد!

دوم ژانویه ۲۰۱۰ - تراب حق شناس